

گفت‌و‌گو با تهمورس پورناظری آهنگساز و عضو گروه شمس

تدوین ردیف ضربه بزرگی به موسیقی زده است

◀ **ایمان یکانهاد**

– شما هم در حوزه موسیقی مقامی و نواحی کار کرده‌اید هم در حوزه موسیقی ردیف. آیا می‌توان در هنر معاصر تفکیکی میان این دو موسیقی قائل شد؟ اصلا تعریف شما از این دو نوع موسیقی که همچنان در ایران فعالیت دارند، چیست؟ اگر درباره اصالت این دو حرف می‌زنیم، بله می‌توان مرز دقیقی تعریف کرد. ولی در حال حاضر به دلیل اینکه موسیقی‌های محلی یا مناطقی که موسیقی محلی دارند، هنرمند به جامعه معرفی می‌کنند و از این طریق لحن‌هایی را وارد موسیقی شهری می‌کنند، خیلی نمی‌توان مرزی بین این دو تعریف کرد. امروز رد پای همه موسیقی‌های محلی را می‌توانیم در موسیقی امروز ایرانی ببینیم. اما اگر بخواهیم موسیقی خراسان را به طور مستقل بررسی کنیم و درباره‌اش تحقیق کنیم، به مرزهای کاملاً مشخصی می‌رسیم. اما موسیقی‌ای که امروزه به عنوان موسیقی حرفه‌ای ایرانی مطرح است، با موسیقی صد سال پیش بسیار متفاوت است. به همین خاطر دشوار است که بتوان مرزهای مشخصی تعریف کرد.

– نظریه‌ای دیگر هم در این حوزه مطرح است که به تفاوت‌های رفتاری و کارکردی این دو نوع موسیقی بازمی‌گردد. برخی معتقدند موسیقی مناطق گاهی به عنوان موسیقی کار عمل می‌کرده و در کل صدای هر هیجان‌تری به نظر می‌آید. در مقابل معتقدند موسیقی ردیف دستگاهی به طور عمده در دربار اجرا می‌شده، خصلت‌های خموده به خود گرفته است. نظر شما درباره این نوع مرزبندی چیست؟ من موافق این نظر نیستم. ببینید همه موسیقی مناطق ایران که موسیقی کار نیست، مثل این است که بگوییم تمام موسیقی شرق، موسیقی غمگین است در حالی که اصلاً چنین نیست. موسیقی شرق، هم حالت‌های غمگین دارد و هم شاد. در تمام مناطق می‌توان موسیقی کار و غیر کار را مشاهده کرد. من با این نظر هم مخالفم که به موسیقی ردیف عنوان موسیقی دربار اطلاق می‌شود. البته اگر می‌باشد اشکالی ندارد. تاریخ ایران تاریخی است هرمی که از روز اول تا همین امروز راس داشته یعنی سطح مقطع‌اش پایین بوده است به همین خاطر به طور طبیعی همه چیز به سمت راس سوق پیدا کرده است. قبل از اسلام، دربار ساسانی صحنه اجرای موسیقی بوده است مثل کنسرت. به عبارت دیگر موسیقی جایگاه دولتی و حکومتی داشته است. بعد از اسلام هم موسیقی دوباره در دربار اجرا می‌شود. اما اگر به موسیقی دوران قاجار نگاه کنیم، می‌بینیم که این موسیقی خیلی هم فلسفی است. معمولاً وقتی اسم دربار می‌آید، ابتدال هم کنار آن می‌آید. مثلاً می‌گوییم موسیقی درباری یا شعر درباری یا آدم‌های درباری. فوراً فضای منفی را القا می‌کند. اما موسیقی‌ای که الان به عنوان موسیقی ردیفی یا دستگاهی مطرح است، ریشه‌های کاملاً فلسفی دارد.

– منظور تان از ریشه‌های فلسفی چیست؟ ببینید به لحاظ ساختاری کاملاً فلسفی است یعنی مبتدا و خبری یا هدف دارد. طبقه‌بندی‌هایی که صورت گرفته کاملاً فکر شده است. موسیقی‌ای نیست که به مرور زمان شکلی پیدا کرده باشد. البته این برداشت شخصی من است چون هیچ سندی در دست نداریم که بشود این را ثابت کرد. ولی روند موسیقایی که در ردیف وجود دارد و نشان می‌دهد که نغمه‌هایی در کنار هم جمع‌آوری و تدوین شده، این را نشان می‌دهد. البته این را هم بگویم که بزرگ‌ترین ضربه‌ای که به موسیقی ایران خورده از همین گردآوری و تدوین‌ها بوده است.

– یعنی معتقدید موسیقی در چارچوبی قرار گرفته که نمی‌توان از آن فراتر رفت؟ نه. چون می‌توان فراتر رفت. اما امدهاند جمع کرده‌اند و یک موسیقی تدوین‌شده ساخته‌اند. خب طبیعتاً یکسری آدم تدوین‌پرست بوده‌اند که این موسیقی مدون را به عنوان حکم و مرجع اصلی مطرح کرده‌اند و این ضربه بزرگی به موسیقی ما زده است. حتی برای این موسیقی ساز طراحی شده است یعنی سازی که به اسم تار در اختیار ماست، نتیجه موسیقی ردیف است. تمام ساختار، تار مختص ردیف است یعنی تغییراتی در آن داده‌اند تا مناسب اجرای موسیقی ردیف شود. به عبارت دیگر موسیقی ردیف فقط مختص تار است نه هیچ ساز دیگر.

– من به پاسخی شفاف درباره ضربه‌ای که تدوین ردیف به موسیقی ایرانی زده نرسیدم. ممکن است

تهمورس پورناظری یکی از اعضای اصلی گروه شمس است. این گروه امسال ۳۰ سالگی خود را جشن گرفت. تهمورس پورناظری علاوه بر اینکه در گروه شمس فعالیت می‌کند به تنهایی نیز فعالیت‌های موسیقایی دارد.

او در همین زمینه در پروژه‌ای به اسم «از تخت‌جمشید تا



تهموری در کنسرت

در کنار هم بنشینید و ساز یزید از کدام تفکر سرچشمه می‌گیرد؟

حکایت این است که وقتی شما یک ترکمن را می‌بینید دوست دارید از او درباره آداب و رسوم و فرهنگش بپرسید. هیچ وقت نمی‌آید و او درباره مثلاً فوتبال حرف یزید. برای شما جالب است که درباره چوگان یا او گفت‌وگو کنید. این گفت‌وگو گاه زبانی است و گاه نیست چون صدای نت هیچ محدوده خاصی را دربر نمی‌گیرد پس خیلی راحت گفت‌وگوی ردیف مشکاتیان یا علیزاده داشتیم. آن مسیر خیلی بزرگ این گونه مسدود شد. اما مسدود نخواهد ماند چون شاعر فقط حافظ نیست و هرکسی که می‌خواهد شاعر شود نباید فقط حافظ بخواند و درست مثل او شعر بگوید. آنقدر ردیف زدند و شنیدند که خسته شدند. – بازگردیم به موضوع پرسش نخست. آیا دو موسیقی مقامی و موسیقی ردیف دستگاهی به لحاظ ساختاری نیز مرزبندی‌هایی دارند؟

ببینید موسیقی تنبور هیچ ربطی به موسیقی سیستان و بلوچستان ندارد یا مثلاً موسیقی خراسان که هیچ ربطی به موسیقی لرستان ندارد. تکنیک حاصل ظرافت است. هر موسیقی‌ای که پیشرفت کرده، مدام در حال ساخت تکنیک‌های خود بوده است. خیلی چیزها به لحاظ ساختاری در موسیقی مقامی هست که در ردیف نیست. مثل ریتم‌ها یا فواصل ملودی‌ها و نت‌ها که در موسیقی به اصطلاح سنتی اصلاً وجود نداشته است. در کل هم پاسخ به این سوال‌های کلی نیاز به بحث‌های مفصل دارد. کار یکی دو نفر هم نیست و البته تاکید می‌کنم لزومی برای جمع‌بندی هم وجود ندارد. اگر به جمع‌بندی برسد، یعنی فاتحه هنر خوانده شده است چون مجبوری جلوبش را بگیري. موسیقی اگر روند تاریخی‌اش را ادامه ندهد محکوم به فناست.

– شما تجربه همکاری مشترک با شجاعت حسین‌خان را دارید و در آینده هم قرار است در ایران کنسرت مشترک‌تان برگزار شود. نام کنسرت‌هایتان را هم «از تخت‌جمشید تا تاج‌محل» گذاشته‌اید یعنی محدوده جغرافیایی شرق. آیا به طور کلی می‌توان برای این محدوده بسیار وسیع نام «موسیقی شرقی» را اطلاق کرد؟ وقتی می‌گوییم موسیقی محلی یا شرق و غرب منظورمان تفکر، فرهنگ و فلسفه آنهاست. در ایران، عراق، ترکیه، پاکستان، هند و … ریشه‌های فرهنگی مشترک وجود دارد. این اشتراک‌ها در رفتارهای اجتماعی مردم این مناطق هم وجود دارد. پس در هنرشان هم ظهور پیدا می‌کند. از طرفی جنس هنر در غرب و شرق و محدوده‌های دیگر جغرافیایی متفاوت است. مثلاً وقتی می‌گوییم موسیقی غرب، نام‌هایی مثل بتهوون، ماسترات، باروک و… به ذهن می‌آید. اما در این میدان مجبوریم موسیقی اسپانیا را از غرب جدا کنیم. مثلاً هایدن چه ربطی به موسیقی اسپانیا دارد؟ نفوذ فرهنگ و هنر شرقی به وسیله مسلمانان و افرادی چون صلاح‌الدین ایوبی به اسپانیا باعث شده موسیقی‌های چون موسیقی کولی‌ها یا فلامنکو که ریشه‌های مشترکی هم با ایران دارد در آن منطقه ایجاد شود. بنابراین فرهنگ در این موضوع مهم‌ترین نقش را دارد. موضوع دیگر این است که برای برخی از موسیقی‌ها نمی‌توان تاریخ‌مبدایی تعیین کرد. مثل هند یا موسیقی کلاسیک چون با ظهور انسان به وجود آمده‌اند.

– این ایده که شما و شجاعت حسین‌خان سهراب با گروهی تلفیقی کار می‌کرد که دورهای با هم همکاری بودند. یکی از سازهای این گروه واتردرام بود. این ساز و نوازنده‌اش به پیشنهاد سهراب وارد گروه ما شد. – تلقی‌ای درباره پدر و برادران پورناظری در گروه شمس و تفکر موسیقایی آنها وجود دارد: کیخسروخان و مقایسه با دو پسرش دیدگاه‌های سفت و سخت‌تری نسبت به موسیقی تنبور دارد، تهمورس

سال پنجم ■ شماره ۱۱۱۹ ■ سه‌شنبه ۲ آذر ۱۳۸۹ ■ موسیقی ۱۱

سجاد پورقناد << گفت‌وگو

گفت‌وگو با مهدی قاسمی رهبر گروه کر تهران

پیشرفت مستلزم شناخت نقایص است

مهدی قاسمی رهبر کر، شاید پیگیرترین و فعال‌ترین هنرمند در زمینه موسیقی کرال ایران پس از انقلاب بوده است. قاسمی سال‌هاست به تعلیم موسیقی کرال می‌پردازد و سبکی داشته از انواع سبک‌های موسیقی کرال در کنسرت‌هایش استفاده کند. یکی از مهم‌ترین اتفاقات هنری در زمینه موسیقی کرال، تشکیل یک گروه کر بزرگ با ۲۵۰ خواننده بود که در فرهنگسرای بهمن کنسرت‌هایی را به اجرا گذاشتند. این گروه به مرور زمان با عدم همکاری مسوولان مربوطه کوچک‌تر شد و به گروهی نامرغه رسید که در آموزشگاه موسیقی یارت زیر نظر مهدی قاسمی فعالیت‌های خود را ادامه داد. در چهار سال گذشته به دلیل مهاجرت مهدی قاسمی به کانادا، فعالیت گروه دچار وقفه شد و بعضی از اعضای گروه جذب گروه‌های دیگری شدند، تا اینکه با بازگشت دوباره مهدی قاسمی به ایران کار این گروه کر ادامه پیدا کرده است. گروه کر شهر تهران به رهبری مهدی قاسمی، ۱۲ تا ۱۴ آبان امسال در تالار رودکی روی صحنه رفت که با توجه به تغییر بیشتر اعضای کر، برنامه قابل تحسینی را به نمایش گذاشت. در ادامه گفت‌وگو با این رهبر جوان را می‌خوانیم.

– با توجه به اینکه در زمانی که در کانادا بودید، آموزشگاه شما فعال بود، نمی‌شد کار گروه کر را به رهبر دیگری بسپارید که گروه تعطیل نشود؟ ما این کار را کردیم و حتی یک کنسرت هم گروه با رهبر جدید روی صحنه برد ولی اعضای گروه، با رهبرهای جدید توافق لازم را نتوانستند داشته باشند و کار گروه به تعطیلی کشیده شد. من گمان می‌کردم در این مدت اعضای گروه از نظر اجتماعی به این بلوغ رسیده باشند که وابسته به شخص خاصی نباشند و این گروه را بدون من حفظ کنند ولی متأسفانه با رهبران متعددی که رهبری گروه را در دست گرفتند، نتوانستند همکاری کنند. – با توجه به اینکه بسیاری از کسانی که در ایران با گروه‌های کر کار می‌کنند، رهبر کر به معنای بین‌المللی نیستند آیا درست است که رهبری کر را به دست آنها بسپارید؟ درست است که رهبر کر به معنای واقعی در ایران مثل آقای موسیسان انگشت‌شمارند ولی خیلی از افرادی که با کر‌ها و مخصوصاً گروه کر ما کار کردند، موسیقیدان‌های خوبی بودند و ایده‌های موسیقایی و تجربیات خوبی داشتند.

آیا فکر نمی‌کنید دلیل عدم همکاری اعضای کر شهر تهران با رهبرهای جدید، نبود چشم‌انداز خاص برای رشد گروه و ارائه ربر توار متنوع، از طرف آن رهبرها بود و اعضا با توجه به برنامه‌ریزی خاص شما، حاضر به فعالیت در گروه بودند؟

بله، این مساله را قبول دارم، می‌تواند دلایلش لطف زیاد اعضای گروه به من باشد یا نزدیک بودن سلیقه‌هایمان به هم ولی اساسنامه گروه کر ما به شکلی نوشته شده که اعضای گروه، شاید حق بیشتری دارند حتی از رهبر گروه و اعضای گروه می‌توانستند جمع شوند و با تمسک با من، برای ادامه فعالیت بر برنامه‌ریزی خاصی بکنند به هر حال این اتفاق نیفتاد و گروه در ظرف سه ماه از هم پاشید و وقتی من به ایران برگشته بودم تا هشت ماه به قدری دلگیر بودم از پاشیده شدن گروهی که هفت سال برایش زحمت کشیده بودیم که دیگر انگیزه تشکیل دوباره گروه را در خودم نمی‌دیدم.

مدتی در زمینه آهنگسازی برای گروه کر مشغول به فعالیت‌های شخصی‌ام شدم ولی نهایتاً به این نتیجه رسیدم که جای این گروه خالی است و باید دوباره فعالیت را آغاز کنیم، البته امروز گروه‌های خوبی در زمینه کر فعال هستند ولی باز جای این گروه خالی بود. از آبان سال گذشته، من به همراه آقای محمد واحد به عنوان معلم سلفژ، خانم آزاده رضایی و مهرناز شامحمدی به عنوان معلم آواز، دو کلاس برگزار کردیم به همان روش قبلی ولی خیلی سیستماتیک‌تر، شرح درس‌ها کاملاً مشخص‌شده و یکسان بودند و فکر می‌کنم موفق‌ترین دوره آموزشی بود که تا آن زمان داشتیم.

– برای علاقه‌مندان گروه کر شهر تهران، این سوال وجود دارد که آیا با وقفه‌ای که در کار گروه پیش آمد، هنوز مشعل روشنی از گروه قدیمی شما به دست شما رسیده یا همه اعضا جدا هستند؟

بله، چند نفر از مهم‌ترین اعضای کر ما در بخش یاس و چند خواننده خوب ما در بخش سوپرانو هنوز هستند و من همچنان امیدوارم از اعضای قبلی کر برگردند و مشغول همکاری با ما شوند البته این را هم باید اضافه کنم که مهم نیست که نفر تمام عرش در یک کار بخوند، ممکن است کسی یک سال، دو سال، پنج سال… در کر فعالیت داشته باشد و در واقع این مهم است که تجربیات افراد باسابقه به کسانی که تازه وارد کر شده‌اند، منتقل شود. گروه کرى بود در مسایلی جایی که من در کانادا زندگی می‌کردم به نام گروه کر لیساید. این کر از سال ۱۹۲۵ تا حالا فعال بود. ممکن است این گروه به خاطر اینکه کر حرفه‌ای نبوده، هر ۱۰ و ۱۵ سال کل اعضایش تغییر می‌کرد ولی همین که این گروه زمان زیادی فعال است باعث می‌شود تجربیاتی منتقل شود و با تغییر اعضا، گروه دوباره آن صفر شروع نمی‌کند. در این دوره فعالیت من دو هدف



اصلی دارم. یکی اینکه کار خوب ارائه دهم و دوم اینکه گروه را با برنامه‌ریزی‌هایی که کرده‌ام سال‌ها حفظ کنم. من فکر می‌کنم در مورد کر در این اتفاق افتاده و کسانی که وارث چند نسل از خوانندگان کر هستند، روی اعضای جدید تاثیرگذار بوده‌اند و به همین دلیل است که شروع فعالیت ما با اعضای جدید، از سطحی پایین‌تر از گروه قبلی نیست و دقیقاً ادامه همان فعالیت است و چیزی از آخرین کنسرت‌مان با گروه قبلی کم ندارد.

– در آخرین کنسرت کر شما با گروه اعضای قبلی که مربوط به چهار سال پیش است، رپرتواری جز آنری در دو کنسرت آخر اجرا کردید، گروه کر شما حاقفل در سطح ایران، آن زمان گروهی درجه یک بود، آیا فکر می‌کنید با شش ماه تمرین این گروه جدید به همان کیفیت رسیده است؟

شما لطف کردید و گفتید گروه درجه یک ولی هم گروه قبلی و هم گروه جدید ما دارای نقایصی است که خودم می‌دانم و اگر ندانم گروه پیشرفت نمی‌کند، ولی در کل، گروه سطح خوبی دارد و گمان می‌کنم نسبتاً با استفاده از تجربیات گذشته، امروز کار با شش ماه تمرین به سطح کر قبلی برسانیم.

– جمعیت کر را چقدر در نظر گرفتید؟

ما گروه را ۵۱ نفره در نظر گرفتیم، دقیقاً ۳۰ خواننده زن و ۲۰ خواننده مرد، ولی جا دارد که مخصوصاً خوانندگان مرد بیشتر باشند. من علاقه داشتم گروه ۶۰ تا ۸۰ نفر عضو داشته باشد هرچند با این تعداد، کم می‌شود و غلبه‌ها مشکلات می‌شود و همین‌طور تمرین سخت‌تر خواهد بود، به خصوص که تجربه کار با گروه ۲۵۰ نفره ما داشتیم و مشاهده کرده‌ام که عملاً کیفیت کار پایین‌تر از کر امروز ما بوده است.

– در مورد رپرتو این کنسرت اخبار تان صحبت کنید.

که بر اساس اشعار هسبر الگار ساخته شده به نام «منظاری از باورایا»، این مجموعه به سبک موسیقی فولک آلمانی هم شعر و هم موسیقی‌اش ساخته شده است. این قطعات برای کسانی که آثار الگار را می‌شناسند چندان الگاری صدا نمی‌دهد. این قسمت برنامه با همراهی پیانوی خانم مهدوی اجرا شد. در قسمت بدی قطعه‌ای بود از جان راتر آهنگساز معاصر که هنوز در قید حیات است، او رهبر خوبی هم هست و رهبر کمبریج سینگرز است.

اتفاقاً این قطعه را چند وقت پیش در امریکا اجرا کرد. این قطعه را به همراهی ارکستر مجلسی که سرپرستی آن را علی جعفری‌پویان بر عهده دار، نواختم و به دلیل عدم وجود هارپ و ارگ کلیسا، سینتی‌سایزرها صدای این سازها را تقلید کردند. متأسفانه طبق معمول، در این برنامه بعضی از نوازندگان خوب این ارکستر به دلیل حضور در ارکسترسمفونیک تهران و کنسرت این ارکستر در روز اجرای ما حضور نداشتند ولی حدود ۲۰ نفر از نوازندگان ما را همراهی کردند که اجرای رضایت‌بخشی را این ارکستر به اجرا گذاشت.

– قصد ندارید در کنسرت‌های آینده باز به سراغ آثار آهنگسازان ایرانی بروید؟

من اشتیاق اجرای آثار کرال ایرانی را همیشه داشته‌ام ولی متأسفانه رپرتوار گسترده‌ای در این زمینه نداریم. من حتی قصد دارم در آینده مسابقه‌ای برای ساخت قطعات کرال ایرانی بر برگزار کنم که منجر به ساخت قطعاتی شود که در آینده رپرتوار خوبی در این زمینه داشته باشیم.

◀ **گفت‌وگو**

نخستین سایت انگلیسی‌زبان موسیقی ایرانی راه‌اندازی شد

اولین رسانه بین‌المللی موسیقی ایرانی به زبان انگلیسی با آدرس enmusiciranian.com و با نام «پایگاه بین‌المللی موسیقی ایرانیان» شروع به کار کرد این پایگاه که توسط حامد موسیقی و جمعی از موسیقی‌دوستان، کارشناسان و مترجمان جوان کشور بدون هیچ گونه سرمایه‌ای راه‌اندازی شده است، جزئی از مجموعه موسیقی ایرانیان محسوب می‌شود. مجموعه موسیقی ایرانیان متشکل از سه رسانه «سایت موسیقی ایرانیان»، «مجله موسیقی ایرانیان» و «پایگاه بین‌المللی موسیقی ایرانیان» (به زبان انگلیسی)، است که سایت موسیقی ایرانیان با آدرس musiciranian.org غالباً رسالت خبری کر رساله موسیقی را بر عهده دارد و مجله موسیقی ایرانیان که به زودی نهمین شماره‌اش هم منتشر خواهد شد، رویکرد تحلیلی دارد.